سپهرغرب در پی گفت‌وگو با رئیس دانشکده علوم منابع طبیعی، محیط زیست و علوم و تحقیقات کشور مطرح کرد:

مرگ و حیات منابع طبیعی در دستان مردم

ساختار دولتی غلط نابودگر پوشش گیاهی

سپهرغرب، گروه زیست‌بوم – طاهره ترابی‌مهوش: در پی گفت‌وگو با رئیس دانشکده علوم منابع طبیعی، محیط زیست و علوم و تحقیقات کشور مشخص شد مردم در حیات و یا مرگ منابعی طبیعی و پوشش گیاهی نقش تعیین‌کننده داشته و به تعبیر بهتر آگاهی آن‌ها خط مشی دولت‌مردان را در صیانت و یا نابودی محیط زیست و منابعی طبیعی ترسیم می‌کند.

همه ما در طبیعت پوشش سبزرنگ و زیبای گیاهان را دیده‌ایم و می‌دانیم که چقدر حائز اهمیت‌اند اما مطمئناً نگاه ما بسیار کلی بوده و از دید علمی به پوشش گیاهی نگاه نکرده‌ایم حال آنکه پوشش گیاهی، در حقیقت مجموعه‌ای است متشکل از گونه‌های گیاهی و پوششی که برای زمین یک چتر گسترده فراهم کرده و موجب حفاظت سطح خاک شده‌اند. از طرفی همگان بر این امر واقف‌اند که پوشش‌های گیاهی مثل هر موجود زنده‌ای از لحاظ زمانی و مکانی پویا هستند و این پویا بودن در گیاهان یعنی تغییرات بسیاری در ترکیب و یا ساختار گیاهان دیده می‌شود و ممکن است مکانی که در ابتدا دارای پوشش گیاهی قوی بوده بعد از مدتی در اثر استفاده ناصحیح و عدم رعایت موارد حیاتی از بین برود.

بر این اساس با توجه به اهمیت موضوع برآن شدیم تا در این شماره با رئیس دانشکده علوم منابع طبیعی، محیط زیست و علوم و تحقیقات کشور و درعین‌حال دانشیار محیط زیست گفت‌وگویی را ترتیب دهیم که در ادامه می‌خوانید:

هادی کیادلیری با بیان اینکه در شرایط فعلی بر همگان آشکار است که یکی از عواملی که از خاک و به‌اصطلاح درست‌تر، از پایداری یک سرزمین حفاظت می‌کند، همان پوشش گیاهی است به همین دلیل ارتباط مستقیمی بین پوشش گیاهی هر منطقه با پایداری آن وجود دارد، اظهار کرد: یقیناً پایداری از طریق حفظ آب‌وخاک میسر می‌شود.

وی با اشاره به اینکه این مهم حتی از طریق بررسی آماری نیز قابل اثبات است، گفت: با قیاس اراضی کشاورزی، جنگلی و اراضی با پوشش گیاهی علفی، کاملاً متوجه تفاوت در خاک منطقه می‌شویم.

وی افزود: به‌عنوان‌مثال در یک بخش جنگلی انبوه، به ازای هر هکتار، قدرت حفظ دوهزار مترمکعب آب وجود دارد و حتی پوشش گیاهی در این‌گونه مناطق ۴۰ برابر فرصت جذب آب بیشتر را به زمین می‌دهد این در حالی است که در اراضی فاقد پوشش این فرصت وجود نداشته و شاهد گسست خاک هستیم.

رئیس دانشکده علوم منابع طبیعی، محیط زیست و علوم و تحقیقات کشور با بیان اینکه پوشش علفی، گیاهی و درختی، در هنگام باران‌های سیل‌آسا که در این روزها به‌دلیل خشک‌سالی شاهد بروز این اتفاق به‌صورت مکرر هستیم، از اهمیت بالایی برخوردار است ابراز کرد: البته این پدیده الزاماً به‌دلیل کمبود بارش نیست بلکه در برخی موارد شاهد بارش باران نیز هستیم اما پراکنش آن در کوتاه‌مدت اتفاق افتاده و به‌صورت منظم شاهد آن در مناطق مختلف نبودیم که از این اتفاق به‌عنوان یکی از نشانه‌های تغییر اقلیم هم یاد می‌شود.

کیادلیری با بیان اینکه بارش‌های سیل‌آسا، در سرزمین‌هایی که به‌دلیل عدم وجود پوشش گیاهی فرصت جذب نداشته و با برخورد مستقیم آب باران با خاک، منجر به شکسته شدن پیوندهای خاک (پیوندهای کلوایدی خاک) می‌شوند، به سیل بدل شده و منجر به فرایش خاک و شسته شدن آن می‌شود اظهار کرد: این عمل منجر به بسته شدن منافذ خاک شده و به‌هیچ‌وجه دیگر قابلیت نفوذ آب را نخواهد داشت.

وی با بیان اینکه با عدم نفوذپذیری خاک، آب روی زمین رها شده و به هرزآب و سیلاب بدل می‌شود افزود: از طرفی همان حالت اسفنجی که بدن مرده گیاهان و یا لاشه برگ‌ها روی زمین به‌وجود می‌آورند نقش اسفنج را بازی می‌کند به‌طوری‌که وقتی آب روی این لایه‌ها قرار می‌گیرد درست همچون اسفنج آب ذخیره‌شده در خود را تدریجاً در محیط آزاد می‌کند.

وی با بیان اینکه آزاد شدن تدریجی آب به‌وسیله پوشش گیاهی کمک شایانی به دائمی بودن آب رودخانه‌ها، جوی‌ها و چشمه‌ها می‌کند تصریح کرد: علاوه بر این اگر زیر خاک را مورد بررسی قرار دهیم شاهد خواهیم بود که ریشه‌های گیاهانی که عمر آن‌ها تمام‌شده در زیر خاک می‌پوسند و در غنابخشی به خاک مؤثر هستند.

این دانشیار محیط زیست با تأکید بر اینکه گیاهان زیر خاک همچون کلافی به یکدیگر گره خورده و خاک را ثبات بخشیده و مانع از حرکت، رانش و فرسایش آن می‌شوند ابراز کرد: اهمیت این عملکرد از آنجا دوچندان می‌شود که متأسفانه در حال حاضر ایران در خصوص فرسایش خاک در سطح بین‌الملل رکوددار است.

کیادلیری با اشاره به اینکه طبق آمارها سالانه چیزی بین ۲۰ تا ۲۵ تن فرسایش را در هر هکتار شاهد هستیم تصریح کرد: میانگین فرسایش خاک در جهان تا پنج‌متر مکعب است.

وی در خصوص چرایی اهمیت فرسایش خاک در ایران و پوشش گیاهی، ابراز کرد: وجود این پوشش گیاهی برای ما از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا ما در کشوری هستیم که ۹۲ درصد آن خشک و نیمه‌خشک بوده و تنها کمتر از هفت درصد آن را جنگل تشکیل می‌دهد، از طرفی نیز سطح مرتع زیادی نداریم یعنی از ۱۶۵ میلیون هکتار منابع طبیعی حدود ۸۵ تا ۹۰ میلیون هکتار آن مرتع است که آن‌ها به مراتع ضعیف، غنی و فقیر تقسیم‌بندی می‌شوند.

رئیس دانشکده علوم منابع طبیعی، محیط زیست و علوم و تحقیقات کشور با تأکید بر اینکه وجود پوشش گیاهی تضمین‌کننده پایداری سرزمین است زیرا تولد دوباره هر سانتی‌متر خاک، هزاران سال زمان نیاز دارد، تصریح کرد: بر این اساس اگر به‌دنبال توسعه پایدار و پایداری یک سرزمین هستیم باید نسبت به حفظ پوشش گیاهی قوی‌تر ورود کنیم.

کیادلیری با اشاره به اینکه در حال حاضر از بین رفتن پوشش گیاهی در کشور ما به‌صورت یک هشدار جدی باید تلقی شود، افزود: با توجه به بروز خشک‌سالی‌های اخیر و مرگ‌ومیر دسته‌جمعی گونه‌های گیاهی در مناطق مختلف کشور از شمال گرفته تا زاگرس و مناطق مرکزی، توجه به این مقوله را دوچندان می‌کند زیرا ادامه این روند منجر به فرسایش خاک و در پی آن از بین نرفتن حاصلخیزی خاک و در نتیجه خالی شدن مناطق مختلف کشور از سکنه خواهد شد.

وی افزود: علاوه بر این، پوشش گیاهی به لحاظ علمی نیز حائز اهمیت است به‌طوری‌که در زنجیره غذایی تشکیل‌دهنده قاعده این هرم بوده و همه طبقات هرم غذایی و انرژی وابسته به آن هستند.

این کارشناس منابع طبیعی و محیط زیستی با تأکید بر اینکه این تنها گیاهان هستند که می‌توانند انرژی خورشیدی را به دام انداخته و وارد چرخه حیات کنند ابراز کرد: به جرأت می‌توان گفت بدون پوشش گیاهی نمی‌توان حیاتی را متصور شد.

کیادلیری در پاسخ به این سؤال که اخیراً در حفظ و احیای پوشش گیاهی در مناطق مختلف تأکید خاصی بر بهره‌گیری از گونه گیاهان دارویی می‌شود، نظر شما در این ارتباط چیست؟ اظهار کرد: آنچه مسلم است اینکه همه گونه‌های گیاهی موجود در طبیعت حائز اهمیت‌اند پس وقتی صحبت از آن‌ها می‌شود چیزی به‌عنوان علف هرز در طبیعت وجود ندارد؛ اطلاق این واژه بدان مفهوم است که هنوز خاصیت آن گیاه شناسایی نشده زیرا بسیاری از گونه‌هایی که در حال حاضر از آن‌ها به‌عنوان گیاهان دارویی یاد می‌شود زمانی به‌عنوان علف هرز شناخته می‌شدند.

وی، ادامه داد: بر این اساس هیچ‌گونه گیاهی، هرز نیست چراکه یکی از اجزای اکوسیستم طبیعی منطقه را شکل می‌دهد با این وجود اگر کارکرد دارویی گونه‌های گیاهی را یکی از کارکردهای بی‌شمار آن قلمداد کنیم این موضوع از اهمیت بیشتری برخوردارمی شود زیرا در حال حاضر درمان بسیاری از بیماری‌ها از طریق همین گونه‌های گیاهی انجام می‌شود.

وی، افزود: البته دراین‌بین توجه به این نکته اهمیت بسیاری دارد که نباید در یک عرصه مرتعی، تنها یک گونه خاص را در سطحی گسترش داد و سایر گونه‌ها را به این بهانه نابود کرد چراکه این مهم می‌تواند خطرآفرین باشد.

رئیس دانشکده علوم منابع طبیعی، محیط زیست و علوم و تحقیقات کشور با بیان اینکه این رویکرد را تنها در مناطق مخروبه و فاقد پوشش گیاهی می‌توان یک عملکرد مناسب دانست، تشریح کرد: اینکه در مراتع و جنگل‌های طبیعی برای منافع تجاری، ترکیب را به نفع یک گونه برهم بزنیم غلط است زیرا همانطور که پیش‌تر عنوان شد شاید آن گونه گیاهی به‌ظاهر هرز حذف شده در مرتع طبیعی، در آینده واجد ارزشی به‌مراتب بیشتر از گونه گیاهی حال حاضر کاشته شده در ابعاد مختلف داشته باشد.

کیادلیری در واکنش به سؤالی در خصوص رابطه گردشگری و پوشش گیاهی گفت: در حال حاضر یکی از مهم‌ترین عوامل تخریب‌کننده اکوسیستم طبیعی در کشور ما گردشگری بی‌قاعده است.

وی ادامه داد: گرچه در حال حاضر در سطح بین‌المللی، گردشگری طبیعی و اکوتوریسم بی‌نهایت رشد کرده و حتی برخی‌ها این قرن را قرن اکوتوریسم قلمداد می‌کنند و ما نیز از نزدیک شاهد و ناظر این موضوع که تمایل مردم به‌دلیل شهرنشینی و نیاز روانی به حضور در طبیعت بیشتر شده، هستیم اما اگر این رویکرد بی‌قاعده بوده و یا در جوامعی که نسبت به اهمیت حفظ طبیعت از آگاهی لازم برخوردار نیستند اتفاق بیفتد می‌تواند اثرات منفی بی‌شماری را به همراه داشته باشد.

این کارشناس منابع طبیعی و محیط زیست با بیان اینکه هر واژه دارای تعریف و معنای خاصی است اذعان کرد: وقتی صحبت از گردشگری و یا اکوتوریسم می‌شود این افراد کسانی هستند که خود صاحب آگاهی لازم بوده و با دانش کافی وارد عرصه‌های طبیعی می‌شوند تا این طبیعت را در منافع و درآمدهای خود شریک کرده و بتوانند به حفظ آن کمک کنند نه اینکه هدف صرفاً سیر و سفر و گذر از یک عرصه طبیعی باشد و در پی آن نیز اگر سری به مسیر گذری آن‌ها بزنی شاهد انواع تخریب در طبیعت باشید.

کیادلیری با بیان اینکه متأسفانه در حال حاضر در کشور با چنین گردشگری (بدون آگاهی و تخریبگر) در عرصه طبیعی مواجهیم گفت: این نوع از گردشگری هیچ‌گونه کمکی به حفظ منابع طبیعی نخواهد کرد.

وی افزود: حال اگر این نوع گردشگری به‌صورت ساماندهی‌شده و همراه با آگاهی در عرصه‌های طبیعی اتفاق بیفتد علاوه بر اینکه درآمد اقتصادی کلانی را به‌دنبال خواهد داشت می‌تواند باعث سازندگی شود زیرا گردشگری طبیعی و اکوتوریسم در ذات خود یک روش درمانی برای حل مشکلات طبیعی محسوب می‌شود.

رئیس دانشکده علوم منابع طبیعی، محیط زیست و علوم و تحقیقات کشور در پاسخ به این سؤال که نقش مسئولان و دولت را در حفظ پوشش گیاهی چطور ارزیابی می‌کنید؟ ابراز کرد: از نظر بنده دولت نخستین وظیفه را در این خصوص بر عهده دارد زیرا به نظر من وقتی می‌توان گفت در یک کشور، دولتی وجود دارد که ارگان‌های دولتی همگی با هم هماهنگ باشند نه اینکه هرکدام ساز خود را بنوازد.

کیادلیری با بیان اینکه انتظار از دو دستگاه سازمان جنگل‌ها و سازمان حفاظت از محیط زیست در صیانت محیط زیست و منابع طبیعی با وجود داشتن چندصد دستگاه و ارگان دولتی که تنها به طبیعت با دید منفعت‌طلبی نگاه می‌کنند، نه‌تنها قابل قبول نیست بلکه امکان‌پذیر هم نیست، عنوان کرد: از طرفی وجود قوانین متناقض از مسئله معدن گرفته تا واگذاری‌ها و غیره نابودگر طبیعت ما خواهند بود.

وی با بیان اینکه ساختارهای دولتی ما در این زمینه غلط است گفت: برای درک بهتر مسئله بنده به مثالی در این زمینه بسنده می‌کنم و اینکه در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین عوامل نابودی طبیعت ما دام است حال آنکه موضوع دام زیر نظر وزارت جهاد کشاورزی قرار دارد چراکه این وزارتخانه متولی تولید پروتئین در زنجیره غذایی کشور و در حال حاضر در زاگرس ۳۶ میلیون رأس دام داریم که تنها ۱۶ میلیون رأس آن مجاز است.

این استاد دانشگاه خاطرنشان کرد: حال این سؤال مطرح است که چه کسی باید مشکل دام مازاد را پیگیری کند مگر نه اینکه بر عهده سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور است که خود به‌عنوان معاونتی زیرمجموعه وزارت جهاد کشاورزی قرار دارد پس نکته این است که چطور می‌توان انتظار داشت یک معاونت بتواند بر خلاف میل وزارتخانه خود در رأس عمل کند؟

کیادلیری افزود: یک مثال ساده‌تر؛ مگر نه اینکه وزارت جهاد کشاورزی مسئول مستقیم تولید نان در کشور است، آیا سازمان جنگل‌ها که زیرمجموعه این وزارتخانه است می‌تواند به‌دلیل حفاظت از منابع طبیعی جلوی کشت یک تا دو میلیون هکتاری گندم و جو در زاگرس را بگیرد؟

وی با تأکید بر اینکه یقیناً این امکان برای این معاونت وجود ندارد چراکه نمی‌تواند برخلاف اهداف وزارتخانه‌ای عمل کند تشریح کرد: در خصوص گردشگری هم همین شرایط حکم‌فرماست؛ مثلاً در بسیاری از عرصه‌های طبیعی شاهد هستیم که به بهانه گردشگری بخش اعظمی از عرصه‌ها در اختیار متولیان این حوزه قرار گرفته در حالی که نگاه آن‌ها به این مناطق صرفاً پولی و درآمدزایی است.

رئیس دانشکده علوم منابع طبیعی، محیط زیست و علوم و تحقیقات کشور افزود: در مثالی دیگر ما در سازمان صمت در خصوص استخراج معادن و موضوعات زیست‌محیطی آن با قوانینی مواجهیم که اگر در خصوص فعالیت یک معدن سازمان محیط زیست و سازمان جنگل‌ها رأی مخالفی هم داشته باشند در خصوص این‌گونه مباحث در شورایی ۱۰ نفره تصمیم‌سازی می‌شود و عملاً رأی این دو نهاد از کارایی بالایی برخوردار نیست.

کیادلیری با تأکید بر اینکه وقتی دولتی به‌صورت منسجم با تمام اجزا و ارگان‌های خود به‌دنبال پایداری سرزمین نباشد و منابع طبیعی را به‌عنوان عرصه‌های رایگان قلمداد کند، قطعاً هیچ سازمانی به تنهایی نمی‌تواند حافظ این منابع باشد؛ بنابراین قطعاً نقش دولت‌ها در این خصوص از جایگاه ویژه‌ای برخورداراست، اظهار کرد: در خصوص نقش مردم و جوامع محلی در حفاظت از منابع طبیعی و در ذیل آن پوشش گیاهی نیز باید بگوییم از آنجاکه توسعه در هر کشور و ملتی بر بستر فرهنگی اتفاق می‌افتد مردمی که آگاهی لازم را در این زمینه داشته باشند می‌توانند به دولت‌مردان و نمایندگان خود به‌عنوان قانون‌گذار و مجریان قانون خط مشی لازم را در حفاظت از منابع طبیعی نشان داده و راه را مشخص کنند.

«قنات» در تشدید فرونشست چه نقشی دارد؟

سپهرغرب، گروه زیست‌بوم: عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی گفت: انسدادهای متعدد در قنات‌ها موجب پشته کردن آب، آب شستگی و ایجاد حفرهای بزرگ زیرسطحی و در نهایت فروریزش زمین می‌شوند.

یکی از مواردی که در تشدید خسارات وارده از طریق فرونشست نقش اساسی دارد و کم‌تر به آن پرداخته شده، قنات‌ها هستند. قنات به‌عنوان شاهکار مدیریت آبی ایرانیان باستان نقش مهمی در تأمین آب داشت و این کار را به نحوی انجام می‌داد که هیچگاه به شکل بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی برداشت نشود.

با وجود نقش بسزای قنات‌ها در مدیریت منابع آبی، سال‌هاست که با تغییر روش‌های مدیریت منابع آبی و لوله‌کشی‌ها، بسیاری از این قنات‌ها بلااستفاده شده و خشک شدن برخی از قنات‌ها، باعث تشدید خسارات فرونشست در برخی از شهرهای کشور شده است. در واقع قنات‌های خشک شده زیر پای زمین را خالی کرده و باعث تشدید اثر فرونشست می‌شوند.

در رخدادهایی مانند زلزله و فرونشست، سفره‌های خالی که بدون آب و حایل میان زیرزمین و سطح زمین‌اند، بدون هیچ مقاومتی فرو می‌ریزند و خانه‌ها و تأسیساتی که در همان نزدیکی هستند به درون زمین کشیده می‌شوند.

در رابطه با این موضوع عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی اظهار کرد: آبشستگی و فرار دانه‌های آبرفتی، حفره‌هایی گاه بزرگ در زیر سطح زمین به‌وجود می‌آورد که در ادامه با ریزش خاک از سقف این حفره‌ها، حفره به‌تدریج به مجاورت سطح زمین مهاجرت کرده و با غلبه وزن لایه خاک سرباره حفره، فروریزش رخ می‌دهد.

علی بیت‌اللهی؛ بیان کرد: انسدادهای متعدد در قنات‌ها موجب پشته کردن آب، آبشستگی و ایجاد حفرهای بزرگ زیرسطحی و در نهایت فروریزش زمین می‌شود. در گودبرداری‌های عمیق ساختمانی رشته قنات‌ها بسته می‌شوند، در احداث سازه‌های زیر سطحی مانند مترو نیز همین اتفاق می‌افتد. تمامی موارد فوق مرتبط با قنوات در نهایت ریسک فروریزش زمین را بالا برده و ضرورت دارد تا مالکیت قنوات و مسئول حفظ و نگهداری آن‌ها تعیین شود.

یک پژوهشگر محیط‌زیست:

کاهش جمعیت سگ‌ها با کشتار حاصل نمی‌شود

سپهرغرب، گروه زیست‌بوم: یک پژوهشگر محیط‌زیست با بیان اینکه هرچه کشتار سگ‌ها بیشتر باشد سرعت جایگزینی جمعیت آن‌ها بیشتر می‌شود، گفت: بر اساس مبنای علمی، حذف مستقیم و فیزیکی سگ‌ها نمی‌تواند باعث کاهش پایدار جمعیت آن‌ها شود.

مجتبی طباطبایی با بیان اینکه وقتی مطابق هیچ‌یک از دستورالعمل‌های جهانی برای کنترل گزش حیوانات اقدام نمی‌کنیم و مطلقاً آموزشی نداریم و قانون‌گذاری برای سگ‌های صاحب‌دار وجود ندارد، جای تعجب نیست که این دغدغه به قوت خود باقی بماند و مجدد شاهد حوادث تلخی در این خصوص باشیم، اظهار کرد: باید بدانیم که مسبب این اتفاقات تلخ، اقدامات ناشیانه‌ای است که مشکل را حل نمی‌کند.

وی با اشاره به اینکه بر اساس مبنای علمی، حذف مستقیم و فیزیکی سگ‌ها نمی‌تواند باعث کاهش پایدار جمعیت آنها شود، افزود: هنگامی که در فقدان اجرای برنامه مدیریت جمعیت سگ‌ها (DPM) با عنوان طرح به اصطلاح «ساماندهی» اقدام به جمع‌آوری و حذف فیزیکی آن‌ها شود، فوراً قلمرو خالی توسط سگ‌های جدید اشغال می‌شود؛ چراکه در نتیجه پدیده اثر خلأ (Vacuum effect) منطقه، نرخ زادوولد آن‌ها به شدت افزایش پیدا می‌کند.

این پژوهشگر محیط‌زیست اضافه کرد: اصطلاحاً compensatory recruitment رخ می‌دهد که در کمتر از هشت ماه ۶۰ درصد جمعیت و در کمتر از ۱۸ ماه ۸۰ درصد جمعیت حذف شده جایگزین می‌شود و هرچه کشتار بیشتر باشد سرعت جایگزینی جمعیت بیشتر می‌شود.

■ مشکلات ناشی از کشتار سگ‌ها

طباطبایی با بیان اینکه می‌توان با کنترل زادوولد سگ‌های صاحب‌دار و بی‌سرپرست، با عقیم‌سازی و بازگردانی آن‌ها به محل، جمعیتشان را کنترل کرد و به مرور کاهش داد، گفت: پس از حذف از طریق کشتار یا جمع‌آوری، هربار سگ‌هایی که راحت‌تر به دام می‌افتند (easy taking dogs) حذف می‌شوند و سگ‌های چالاک‌تر و قوی‌تر فرار می‌کنند.

وی اظهار کرد: در کشورهایی که کشتار بسیار وسیع حتی توسط ارتش انجام شده، صرفاً جمعیت ۷۰ درصدی از سگ‌ها کشتار شدند و در ایران هم طی کشتارها و حذف فیزیکی، خلأ قلمرو این حیوانات خیلی سریع توسط سگ‌های مهاجر و رها جبران می‌شود.

وی افزود: وقتی عمل حذف سگ‌ها در روستاها و شهرهای کشور با کشتار انجام می‌شود، نه تنها در سال‌های پیش‌رو جمعیت سگ‌ها کاهش پیدا نمی‌کند بلکه در نتیجه افزایش نرخ زادوولد، جمعیت آن‌ها جوان‌تر می‌شود و با نابودی سگ‌های پیرتر و فرار چابک‌ترها از منطقه، فوراً قلمرو خالی توسط سگ‌های جدید اشغال خواهد شد و این سگ‌ها بر سر قلمرو، جنگ خواهند داشت؛ این موضوع باعث افزایش مزاحمت برای شهروندان و انتقال بیماری‌ها بین سگ‌ها است.

■ دستورالعمل‌های فعلی منطبق بر روش‌های علمی و کارآمد نیست

این پژوهشگر محیط‌زیست تصریح کرد: یکی از اهداف برنامه مدیریت جمعیت سگ‌ها مطابق با دستورالعمل سازمان جهانی بهداشت حیوانات، پایدار کردن جمعیت فعلی این حیوانات است. به گفته این سازمان «درجایی‌که جمعیت قابل توجهی از سگ‌ها بدون بی‌سرپرست هستند، برنامه عقیم‌سازی، واکسیناسیون و بازگردانی در همان محلی که سگ از آن گرفته شده نقش کلیدی دارد». در روش عقیم‌سازی و بازگردانی (CNVR)، ضمن پیرشدن جمعیت با واردنشدنِ سگ‌های جدید، به آرامی سگ‌ها در قلمرو خود در بازده زمانی چند ساله پایدار و کنترل می‌شوند.

طباطبایی با اشاره به اینکه کدام ارگان‌ها در ساماندهی سگ‌های بی‌صاحب از نظر قانونی مسئول هستند، گفت: طبق قانون، مسئولیت جمعیت سگ‌های به بدون صاحب برعهده شهرداری‌ها است، اما اگر بخواهیم با روش‌های اصولی و علمی مدیریت جمعیت را انجام دهیم، براساس اصول سازمان جهانی بهداشت حیوانات (WOAH) به یک برنامه کل‌نگر و ملی نیاز است که همکاری ارگان‌های بسیاری را می‌طلبد.

■ ریشه‌کن کردن هاری با واکسیناسیون ۷۰ درصدی سگ‌ها

وی اظهار کرد: برنامه مدیریت جمعیت سگ‌ها از جانب دستورالعمل ابلاغی از سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور در کارگروه متشکل از ارگان‌های متعدد مانند سازمان محیط‌زیست، سازمان دامپزشکی، وزارت بهداشت و نمایندگان دیگر ارگان‌ها تأیید و به شهرداری‌ها ابلاغ می‌شود.

این فعال حوزه حیوانات ادامه داد: تاکنون دستورالعمل‌های موجود منطبق بر روش‌های علمی و کارآمد نبوده، هرچند کشتار نفی شده، اما چون راهکار جایگزین کشتار به درستی تبیین نشده برنامه‌ای ناکارآمد و پرهزینه توصیه شده است. درحال‌حاضر آیین‌نامه فعلی درحال نگارش است؛ بنابراین این ارگان‌ها باید طبق روش‌های علمی و اصولی به اصلاح شیوه‌نامه قبلی بپردازند تا با ابلاغ برنامه‌های علمی مشکلات حل شود.

طباطبایی با تأکید بر رویکرد «سلامت واحد»، واکسیناسیون ۷۰ درصدی سگ‌ها و آگاهی‌افزایی را یکی از برنامه سازمان بهداشت جهانی برای ریشه‌کن کردن هاری دانست و تصریح کرد: سازمان بهداشت جهانی و کشورهای جهان قصد دارند تا سال ۲۰۳۰ به‌طور کامل بیماری هاری را ریشه‌کن کنند، متأسفانه ما اقدامات توصیه شده در برنامه به صفر رساندن هاری تا سال ۲۰۳۰ را انجام ندادیم.

وی با بیان اینکه به گفته سازمان بهداشت جهانی، مکرراً ثابت شده که واکسیناسیون ۷۰ درصدی سگ‌ها می‌تواند «هاری» را فوراً به صفر برساند، خاطرنشان کرد: براساس تأکید این سازمان «برای کاهش هاری نباید اقدام به کاهش جمعیت سگ‌ها» کرد؛ چراکه هاری وابسته به تراکم جمعیت نیست، بلکه مطابق این برنامه لازم است سگ‌ها واکسینه شوند و به پوشش ۷۰ درصدی واکسیناسیون برسند.